

امید حسینی نژاد از سال ۱۳۴۷ قمری، صاحب بن عباد که ۲۱سال بیشتر نداشت، به همراه مؤیدالدوله عزم سفر بغداد کرد. او قصد داشت در این سفر، دانشمندان و سیاست‌مداران آن دیار را ببیند و از محضرشان کسب فیض کند و گاه نیز در برابرشان اظهار فضل کند. او در انتهای این سفر تصمیم گرفت تا گزارشی از مسیر رفته و تجربه‌ای که کسب کرده را برای اسناد خود، ابن‌المعدی بنویسد.
این نامه، روزنامه‌جی، گذاشت در حقیقت این نخستین رساله‌ای است که در زانر سفرنامه‌نویسی در تمدن اسلامی نگاشته شده است. در طول تاریخ پر فراز و نشیب اسلامی نیز برخی از دانشمندان یا سیاحان سفرنامه‌هایی نوشته‌اند که امروز به دست ما رسیده‌است.

صاحب بن عباد در اوایل قرن چهاردهم خورشیدی، سید محمد موسوی شیرازی که خود از عالمان دینی و مبلغان شیعی بود، سفری از کرمانشاه به قصد زیارت علی بن موسی الرضا^ع آغاز کرد. او در این سفر از کشورها و شهرهای مختلفی دیدن کرد و مشاهدات خود را در قالب سفرنامه نگاشت. این سفرنامه اکنون در قالب کتابی به نام «تمام راه جنگل بود» توسط نشر چشمه روانه بازار شده است. این اثر در حقیقت یادداشت‌های شخصی اوست که در دفترچه‌ای از جوهر مشکی و کمترین خط خورده‌گی نوشته است. سبک نوشتاری اش بی تکلف و ساده است اما تلاش دارد تا کوچک‌ترین جزئیات را از قلم نیندازد، به ویژه در توصیف مساجد و خیابان‌ها در این نوشته قصد داریم تا مشاهدات او از مشهد در سال‌های نخست قرن چهاردهم خورشیدی را روایت کنیم.

عالمی شیرازی نبار

فجر ادامه می‌یافت. در محفل گرم این مناظرات افزون بر دوست‌شوندۀ از شیعه و سنی، چهار خبرنگار نیز حضور داشتند که جزئیات گفت‌وگوها را ثبت و هر باامداد در مطبوعات منتشر می‌کردند. سال‌ها بعد، سلطان‌الواعظین باگردآوری و تدوین همین گزارش‌های مطبوعاتی، کتاب «شرف‌شبه‌های پیشاور» را به زور طبع ارست تا سندی اندیشه و سخن که پس از عمری مجاهدت قلمی و زبانی، در ۱۶مهرماه ۱۳۵۰خورشیدی در زادگاه خویش چهره در نقاب خاک کشید.

او مصلحت‌اندیشی محافظه‌کارانی را که سکوت در برابر مباحثات علمی را به بهانه برهیز از رنجش خاطر دیگر مذاهب روا می‌دانستند، برنمی‌تابت و این گوشه‌نشینی و خاموشی را مایه زیان و خسران عالم تشیع قلمداد می‌کرد. همواره با استدلال و بیانی استوار گام در میدان گفت‌وگو می‌نهاد و حاصل همین ایستادگی علمی، اثر ماندگار او یعنی کتاب «شبه‌های پیشاور» شد.

سلطان‌الواعظین در مسیر کمال، مرزها را درنوردید و به سرزمین‌های عراق، سوریه، فلسطین، اردن، مصر، پاکستان و هندوستان سفر کرد. او در این هجرت‌های علمی، با پیروان ادیان و مکاتب گوناگون از یهودیان و مسیحیان گرفته تا برهمنیان و علمای اهل سنت به مباحثه نشست. دستاورد این سفرهای پربار، آثاری ارزشمند همچون «صد مقاله سلطانی» در رد شبهات یهود و نصارا، و نیز کتاب دو جلدی «گروه رستگاران یا فرقه ناحیه» بود.

هنوز سنین جوانی را سیری می‌کرد و اندکی بیش از سی بهار از عمرش نگذشته بود که در ربیع‌الاول ۱۳۳۵ قمری، پس از زیارت خانه خداراه دریا پیش‌گرفت و قدم به کراچی و سپس شهرهای بزرگ شبه‌قاره هند نظیر بمبئی، لاهور و پنجاب و حیدرآباد گذاشت. آواره فضل و بلاغتش پیش از آن رسیده بود؛ از این رو به اصرار یاران و شیفتگان، جلسات مناظره متعددی را با علمای هندو و دیگر مذاهب اسلامی آراست. در همین اثنا دیدار و گفت‌وگویی تاریخی میان او و مهاتما گاندی رقم خورد که در آن، استدلال‌های محکم وی بر رهبر هند فاتح آمد و مشروح این مصاحبه و دیدار در جراید آن روزگار هند منعکس شد.

در شبان همان سال، به دعوت سید ذکعت‌شید علیشاه نقوی (مدیر جراید تیجا) و محمد سرورخان (از مفتیین خاندان قزلباش پاکستان)، جهت ایراد سخنرانی به زبان فارسی راهی سیالکوٹ و سپس پیته‌پور و به سوالات مردم پاسخ دهد. در طول اقامت در این منطقه مناظراتی نیز مشتاقانی بود که برای شنیدن سخنرانی‌های پرشور او در اثبات امر امامت گرد می‌آمدند، مجالسی که گاه تا سه ساعت به درازا می‌کشید.

سرانجام در همین ایام، دو تن از علمای اهل سنت ملتان کابل به ناوهای حافظ محمد رشید و عبد السلام به دیدار او شافتند و بدین ترتیب، سلسله مناظراتی نفس‌گیر آغاز شد که «شب به طول انجامید. این نشست‌های پرشور ابن‌الحسن الرضا حضرت علی بن موسی علیه و علی ابانه و فریضه مغرب و عشا آغاز شده و گاه تا سپیده‌دم و طلوع

- سفرنامه‌ای از هند تا مشهد

سید محمد در تابستان سال ۱۳۴۵ خورشیدی که سی سال بیشتر نداشت به قصد زیارت امام رضا^ع از کرمانشاه خارج می‌شود. او ابتدا به عتبات می‌رود و پس از زیارت عازم هند می‌شود تا از آن مسیر به سمت مشهد حرکت کند. با ورود به هندوستان یکی از روزنامه‌ها آن دیار خبر ورود او را منتشر می‌کند. همین خبر باعث می‌شود تا بزرگان شیعه و علمای آن منطقه به دیدارش شبانند و از آن بخوانند که در این منطقه منبر برود و به سوالات مردم پاسخ دهد. در طول اقامت در این منطقه مناظراتی نیز با برخی علمای اهل سنت آن دیار اتفاق افتاد. ماحصل آن مناظرات در کتابی به نام «شبه‌های پیشاور» منتشر شد. او در مقدمه کتاب می‌نویسد، « در ربیع‌الاول سال ۱۳۴۵ هجری قمری در حالی که مرحله سی‌ام عمر خود را طی می‌نمودم، پس از تشرّف به عتبات عالیات و فراغت از زیارت قبور ائمّه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين از طريق هندوستان عازم عتبه بوسی امام هشتم مولانا ابوالحسن الرضا حضرت علی بن موسی علیه و علی ابانه و فریضه مغرب و عشا آغاز شده و گاه تا سپیده‌دم و طلوع

سلطان‌الواعظین برخی از رویدادهای خاص مشهد و همچنین مکان‌هایی که برای دیدن رفته را توصیف کرده است. از جمله در روزهای نخست حضورش در مشهد ما جرای زیارت نظامی‌های مشهد را توصیف می‌کند و می‌نویسد: «... صدای موزیک پر خراست سؤال کردم چه خبر است؟ گفتند: نظامی‌های ساخلو مشهد هستند که در هر شب جمعه می‌آیند به زیارت حضرت، به همان طریق نظام یا موزیک آمدند مقابل بست. موزیک را خوبانده وارد صحن شدند. ما هم عبوراً رفیقیم. امان!... میرزا سرتیپ فرماندهی قوای لشکر شرق آمدند. تعظیمی نموده... خادمی بالای منبر زیارت خوانده بعد از اتمام زیارت یک نفر از نظامی‌ها را بصدای غرا دع‌ا به اساس سلطنت و بقای ملک و مملکت نموده بعد فرمانده آمده پنجره را بوسید. قشون هم رفتند.

نکته مهم درباره این رویداد این است که در اسناد تاریخی این آیین نیایش از دهه ۱۳۱۰ خورشیدی آغاز شده‌است. افسران و سربازان لشکر خراسان از گذشته‌های دور در مراسم مذهبی و اجتماعات دینی شرکت می‌کردند. از دهه ۱۳۱۰ به دستور فرمانده لشکر، «مراسم سلام نظامی و نیایش» در اولین پنجشنبه هر ماه، با حضور ۴ هزار نفر از نیروهای لشکر در حرم امام رضا^ع برگزار می‌شد. اما این سند تاریخی نشان‌دهنده آن است که پیش از این تاریخ هر شب جمعه نظامی‌های لشکر شرق این سنت نیایش را با نوسیفی در کتاب آمده اجرا می‌کردند.

- حمایت نصرت‌الملک

اودر بخشی از سفرنامه نام یکی از حامی‌های قدیمی مشهد به نام نصرت‌الملک، را می‌یابد. در حقیقت آقا حسین قمی که جبه نصرت‌الملک و خیابان شاه‌راهی قدیم قرار داشت، اما نصرت‌الملک که یوده علی‌مردان خان کلاهی، رئیس ایل ان تیموری بود. در دوره او، ترکمن‌تازی‌ها امنیت مردم را به

«تمام راه جنگل بود» روایتی از جامعه، علما و رویدادهای ارض اقدس در سال‌های نخست قرن چهاردهم خورشیدی

سفری که ختم به خیر شد

نگاهی به سفرنامه سید محمد اشرفی شیرازی که به تازگی منتشر شده است



سید محمد اشرفی شیرازی مشهور به سلطان‌الواعظین



سلطان‌الواعظین شیرازی در کنار علی‌اکبر نهایندی

غربی در شهر است. بسیاری از مسلمانین متدینین اطفال هزاران مدارس خارج نموند حتی آنکه یکی از مدارس که معروف به محمديه، است به واسطه نوشتن معلمین و اطفال تعطیل شده.»

نخستین مدرسه دخترانه نوین مشهد را فروغ آذرخشی تأسیس کرد. فروغ آذرخشی (بانو فروغ) سال ۱۳۴۱ خورشیدی دستان خود را در مشهد، محله سرشور تأسیس کرد. اول کار با سه دانش‌آموز در کلاس اول و چهار دانش‌آموز در کلاس دوم شروع کرد و کم‌کم کلاس‌های سوم، قبول نمودم، هر چه اصرار کردند، در کرم چند نفری خوانده دسته‌جات محلات با حالت غرآمدند، سینه‌زن‌های بسیار، این حاج اعتماد‌الواعظین خواندند، بعد آقای حاج شیخ مهدی میر رفقه، بدون مقدمه ایستاده، سر برهنه کرد، آقایان ذاکرین را خواندند، آقایان هم آمدند. حاج شیخ مهدی به زیر آمد در عرشه آقای صدرالمتکلمین و آقا شیخ مرتضی عیدگاهی و در پله دوم آقا شیخ غلامرضای طبسی استاد، این مدرسه سال ۱۳۴۹ خورشیدی بعد از ارزیابی اداره معارف، به عنوان یکی از مدارس ملی تأیید شد و از آن اداره کمک مالیانه می‌گرفت. با این حال باز هم با تألیف و جمع دیگر اول عمادالاسلام خواند بعد میرزا حسن و بعد طبسی و بعد عیدگاهی و بعد آقای صدر یا... گفته ختم نمودند.»

- ماجرای افرو

سلطان‌الواعظین ماجرای نقل می‌کند که در آن دوره یکی از عرصه‌های کشمکش میان سنی‌ها و متجددان بوده‌است. وی می‌نویسد، «صبح سه‌شنبه شانزدهم است. برخاسته سر مشرف شده، بعد به حجره جواهری رفیقیم در انجامیرزا اسامیل ترکت مسئله‌گوی تألیف چند حکم از آقای آقا سید ابوالحسن اسمعانی و آقای آقا میرزا محمد حسین نائینی و مرحوم آقا سید محمد فیروز آبادی کرد. در هفت ماه قبل وفات نمودند، ارائه دادند که لال است بر حرمت مدافع جدید و فرستادن اطفال بنات و بین‌زاد، مدارس کنونی ایران آشوب

توصیف می‌کند: « امروز صبح دوشنبه هشتم است، برخاسته حرم مشرف شدم، بعد از خروج از حرم در مسجد گوهرشاد جمعیت کثیری دیدیم، معلوم شد که در چند پو قبل تلگرافی از

به روایت کتاب «تمام راه جنگل بود»

بزرگانی که سلطان‌الواعظین در مشهد با آنان دیدار کرد

- شیخ غلامرضای طبسی

شیخ غلامرضا نواظ طبسی، متولد ۱۲۷۴ در طبس، از همان نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد و پس از گذراندن دوره مقدماتی در زادگاهش، در سال ۱۳۱۸ به قم هجرت کرد تا در حوزه تازه‌تأسیس آیتا... حائری به تحصیل بپردازد. وی نزد بزرگانی چون آیتا... مرعشی نجفی و آخوند ملا علی مهدانی دوره سطح را گذراند، هر زمان‌ا به تہذیب نفس نیز توجه ویژه داشت. صدای رسا و سخنرانی‌های مسلسل و ارجش چهرنی یافت که مردم از راه‌های دور برای شنیدن منبرش می‌آمدند و در تهران جای نشستن در جلساتش به پول فروخته می‌شد. طبسی علاوه بر سفرهای تبلیغی در داخل کشور، به عراق، عربستان، سوریه و اردن نیز سفر کرد و به چهره‌ای بین‌المللی در جهان اسلام تبدیل شد. با روی کار آمدن رضاخان و سیاست‌های ضد زبانی او، طبسی سکوت نکرد. او در مشهد سخنرانی‌های پرشوری علیه اقدامات رضاخان انجام داد و سپس عازم تهران شد تا مردم پایتخت را نیز آگاه کند. اما این سفر باتمام ماند، او در مهر ۱۳۱۵ در نزدیکی سروزار درگذشت. بعدها در میان علما معروف شد که «شیخ غلامرضا طبسی را چیزخور کردند، مرحوم آیت ا... واعظ طبسی، تولیت قبیله آستان قدس رضوی فرزند شیخ غلامرضا بودند.

- سید حیدرشاه

او رئیس ایل خاوری و شهرتش شاه عالمی بود. اطلاعات اندکی از او در منابع یافت می‌شود، اما مرحوم آیتا... موسوی واعظ که یکی از شخصیت‌های اهل علم و فاضل مشهد بودند به دلیل نسبت سببی با خاندان شاه عالمی خاطرات زیادی از او نقل کردند که این مصاحبه‌ها در بخش تاریخ شفاهی مرکز اسناد آستان قدس رضوی موجود است. او در جریان مسجد گوهرشاد نیز حضور داشته است. اکنون نوادگان او با شهرت شاه عالمی، در مشهد زندگی می‌کنند. سلطان‌الواعظین در مشهد گاهی مهمان او بوده و چنین می‌نویسد، «بعد از صرف افطار آقای سید حیدرشاه تشریف آوردند با دو آقا زاده خود، یکی سیدمحمد نایب‌السلطنه و یکی آقا سید ولیعهد، پاکت آقا سید نورمحمدشاه بربری که از بنی‌عماد خود ایشان و از تجار مشمول محرم است به ما دادند.»

- شیخ مهدی واعظ

شیخ مهدی واعظ خراسانی در سال ۱۲۸۶ قمری در مشهد به دنیا آمد. پدرش ملاحمد واعظ و جدش شیخ محمدحسین واعظ مشهدی بودند، خاندانی که حدود ۳۰۰ سال پیش از تولد او به وعظ و تدریس علوم دینی اشتغال داشتند. او پس از گذراندن دوران کودکی راهی مدرسه علمیه شد تا اصول وعظ و خطابه را فرا بگیرد، مرگ پدر در چهارده سالگی نه تنها او را از مسیر بازداشت، بلکه تلاشش را دوچندان کرد. او در محضر استادان بزرگی چون حاج فاضل خراسانی و حاج عبد سید شاهرودی، فقه، اصول، تفسیر و حکمت آموخت و سپس زیر نظر شیخ مهدی کبیر و آخوند مغانعلی به تمرین وعظ و خطابه پرداخت. قدرت حافظه قوی او باعث شد تلاشش زود ثمر دهد و در نخستین سال‌های جوانی به «شیخ مهدی واعظ» مشهور شود. مردم برای حضور در پای منبرش لحظه‌شماری می‌کردند و او توانست به حلقه صاحبان منبر حرم مطهر رضوی راه پیدا کند. شیخ مهدی تنها به مشهد بسنده نکرد و در طول عمر خود سفرهای بسیاری به شهرهای مختلف دنیا ی تشیع داشت، از جمله سبزوار، نیشابور، یزد، اصفهان، تهران، کرمانشاه، مکه، مدینه، بخارا، نجف، کربلا، کاظمین و سامرا. در تمام این شهرها مورد استقبال علما قرار گرفت و آواراه‌اش در سراسر منطقه پیچید. این خطیب بزرگ پس از حدود هفتاد سال فعالیت دینی روزی ۲۴ آذر ۱۳۲۹ خورشیدی در سفری تبلیغی به تهران در سن ۸۲ سالگی درگذشت. بنا به وصیت خودش، پیکرش به مشهد منتقل و در رواق دارالضیافه حرم امام رضا^ع به خاک سپرده شد تا برای همیشه در کنار مولایی آرام گیرد که یک عمر راه و روشش را تبلیغ می‌کرد. فرزند او، مرحوم آیت ا... واعظ‌زاده خراسانی، از فقهای شاخه شده معاصر و استاد دانشکده الهیات مشهد و دبیرکل قفید مجمع تقریب مذاهب بود.

- شیخ مرتضی عیدگاهی

حاج شیخ مرتضی واعظ شهیدی عیدگاهی، پسر آیتا...، حاج شیخ عبد الرحیم، یکی از واعظان نامدار خراسان بود. سال ۱۳۳۳ قمری در مشهد به دنیا آمد. وقتی به سن رشد رسید، ادبیات را پیش میرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری خواند و فقه و اصول را در درس آقایان میرزا محمد آقا زاده، شیخ مرتضی آشتیانی و حاج شیخ حسن بررسی کرد. علوم عقلی و کلام را هم از پدرش یاد گرفت. در نقل حدیث از ائمه^ع و تفسیر قرآن خیلی دقیق و خوش سلیقه بود و در واعظی و سخنوری آن قدر پیش رفت که یکی از برجسته‌ترین خطیب‌های خراسان زمان خودش شد و به او لقب‌های «ثقة المحدثین»، و «شیخ الخطباء» دادند. روز پنجشنبه هفتم دی‌قمعه ۱۳۹۲ قمری بعد از یک عمر اخلاص و تلاش برای هدایت مردم، در ۹۰ سالگی از دنیا رفت و در دارالاسلام حرم امام رضا^ع به خاک سپرده شد.

- میرزا هادی نکهت‌مشکوه‌نظام

در قسمتی از سفرنامه می‌نویسد، «میرزا هادی خان نکهیان مشکوه نظام، نایب اول پلیس شرق، را دیدیم. اظهار انسانیت نمود که امروز من مفیدم شما تشریف آوردید.»

- شیخ حسن یابین خیابانی

او از واعظ‌اشد و از دوستان شیخ مهدی واعظ و شیخ عباسعلی محقق بود. مرحوم آیتا... فقیه سبزواری در خاطرات خود از او به عنوان یکی از استادان شناخته شده مشهد نام می‌برد که در واقع تغییر لباس در دوره پهلوی نیز از مخالفان این اقدام بوده است. استاد محمد ابراهیم آینی نیز یکی از شاگردان او در علم هیئت و نجوم بوده است. تنها عکسی که از او برجای مانده در میان اسناد مرحوم آیتا... واعظ‌زاده خراسانی قرار دارد.

- سید علی یزدی

در بخشی چنین می‌نویسد، «به اتفاق رفیقیم منزل مشهدی غلامحسین سرادار، مجلس انس خوبی بود. آقا سیدعلی یزدی، روضه خوان معروف به «سیدالمرائین»، که پدر زن پسر مشهدی غلامحسین است تشریف داشتند، به قرار معلوم او سال‌ها بعد در واقعۀ گوهرشاد نیز حضور داشته است. زیرا تصویری از او در میان علمای تبعیدی پس از واقعۀ مسجد گوهرشاد که در تهران حضور داشتند، موجود است.

- آیتا... علی‌اکبر نهایندی

علی‌اکبر نهایندی (فرزند حسین نهایندی خراسانی) در سال ۱۲۷۸ (ش ۱۳۲۸) در نهایند به دنیا آمد. در نوجوانی وارد حوزه علمیه نهایند شد و مقدمات را نزد جعفر پروچردی و محمد سرهندی و محمد سرحدی، سپس در پرچورد دروس سطح را فرا گرفت و بعد به مشهد، اصفهان و تهران رفت. در تهران علاوه بر فقه و اصول، فلسفه را نزد محمد رضا قمشه‌ای، سید ابوالحسن جلوه و دیگران آموخت. آن‌گاه به سامرا رفت و از محضر میرزای شیرازی بهره برد. در سال ۱۲۹۸ قمری وارد نجف شد و از محضر آخوند خراسانی، سید محمدکاظم یزدی، میرزا حسین نوری و دیگر بزرگان استفاده کرد. از مشایخ روایی‌اش می‌توان به حبیب...، یشتی، فتح...، اصفهانی و میرزا حسین نوری اشاره کرد. از روایان او نیز سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، محمد شریف‌زای بودند. در ۱۳۱۷ قمری به ایران بازگشت. پس از اقامت در نهایند و تهران، از سال ۱۳۲۸ قمری در مشهد ساکن شد و در مسجد گوهرشاد نماز جماعت و منبر داشت. سرانجام در ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶ (ق در ۹۱ سالگی درگذشت و در رواق دارالساداده حرم امام رضا^ع به خاک سپرده شد.

- رضاعتالی قوچانی

حاج شیخ رضاعتالی قوچانی از علمای زاهد و مورد توجه عوام و خواص بود، اما با وجود این شهرت، در انزوا زندگی می‌کرد. او از شاگردان آخوند خراسانی (صاحب کفایه) به شمار می‌رفت. نماز در آن مسجد معروف «پیرزن» می‌خواند، مسجدی که امروز در محل مسجد گوهرشاد به شکل خوش بزرگی درآمده است. حاج شیخ رضاعتالی در ۲۸ رجب سال ۱۳۴۶ هجری قمری درگذشت و پیکرش در رواق دارالضیافه حرم مطهر امام رضا^ع به خاک سپرده شد.

- شاهزاده محمدصادق میرزا

«بعد از تپار شاهزاده محمدصادق میرزا، رئیس سیم خارجه در تلگرافخانه مشهد که اصلا کرمانشاهی می‌باشد، تشریف آوردند.»

- امان... میرزا

«آقای ازگروانی آمدند که شاهزاده امان... میرزا، فرمانده لشکر شرق، سلام رساندند، وقت برای ملاقات می‌خواهند. به جهاتی وقت ندادم. ایشان هم تشریف بردند.»

اما... چپانپانی در سال ۱۳۲۰ در تهران به دنیا آمد. وی فرزند امان ا... ضیاءالدوله از نوادگان فتحعلی شاه قاجار است.[۱] اسپهبد امان... چپانپانی از صاحب‌متمینان در دوران دوم‌نامه پهلوی بود. وی از فرمانده ارتش شاهنشاهی ایران و همچنین پنج دوره نماینده مجلس سنا در دوران سلطنت محمدرضاشاه پهلوی و مدتی نیز رئیس اداره کل صنایع و معادن بود. او در ۱۹ مرداد ۱۳۵۵ به فرماندهی لشکر شکر منصوب شد.

- سید محمد عصار

«عمری رفیقیم یازدید آقای حاج سید محمد عصار، سه جلد کتاب که عبارت از «توحید کمالی» و «توحید اخلاقی» و «مواهب الرضویه» باشد از مؤلفات خودشان یا با یادگار دارند، به اتفاق حرم مشرف شدیم.» محمد بن محمود حسینی لواسانی تهرانی معروف به عصار، از محققین پنج دوره نماینده مجلس سنا در دوران سلطنت سپس به «اشفت تهرانی» شهرت داشت و در اواخر عمر به «عصار» معروف گشت. خانواده وی اساتذات‌اندزانی بودند و پدرش سید محمود لواسانی ابتدا در لواسان سکونت داشت و سپس به تهران مهاجرت کرد.

دروس مقدماتی را در تهران فراگرفت. در دوازده سالگی به طالقان سفر کرد و پس از بازگشت، معالِم الاموال و شرح لمعه را نزد محمد حسن چاله‌مدانی و ملا مساعیل قره‌باغی آموخت. پس از اتمام سطوح، به کربلا رفت و از محضر زین‌العابدین مازندرانی (مرجع تقلید ده مازندران) بهره برد. سپس به مدینه سفر کرد و با خالد پاشا، حاکم آنجا، ملاقات نمود. وی همچنین به بیروت و دمشق سفر کرد و سپس به نجف بازگشت. در سال ۱۳۱۶ برای شرکت در درس میرزای شیرازی به سامرا رفت و تا سال ۱۳۲۱ در آنجا ماند. از دیگر استادان وی می‌توان به آخوند خراسانی اشاره کرد. عصار موفق شد از علمای بزرگی چون محمد تقی تالوی و با رسوله مهدی قزوینی، شیخ محمد حسن مامقانی و سید محمد بحرالمومل، شیخ محمد حسن باقی‌مقدم، شیخ محمد باقر زکی از بازگشت به ایران، سال‌ها در تهران اقامت گیرد و به تدریس و تألیف پرداخت. در علوم مختلف از جمله فلسفه، کلام، فقه، اصول، فقه جدید تبحر داشت. وی شاعری توانا بود و اشعاری از وی به جا مانده است. پس از دوازده سال کارگزاری در مردم، در سال ۱۳۲۹ قمری از قم قصد مشهد کرد و تا پایان عمر در جوار حرم امام رضا^ع به عبادت و تألیف مشغول بود. سرانجام در مشهد درگذشت و در حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.